

چهارچوب حقوقی:

ماده 20، بند 2 از معاهده پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) مقرر می‌کند که «هر گونه ترویج کردن از نفرت پراکنی ملی، قومی یا مذهبی که همراه با ب تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت باشد از جانب قانون ممنوع خواهد بود.»

- واژه‌های "نفرت" و "خصومت" به احساسات قوی و غیرمنطقی تحقیر، دشمنی و بیزار بودن نسبت به گروه هدف اطلاق می‌شود.
- واژه " ترویج کردن " این گونه تعریف می‌شود، قصد و نیت برای برانگیختن نفرت به صورت عمومی نسبت به گروه هدف، و
- واژه " تحریک " به اظهاراتی درباره گروه‌های ملی، قومی یا مذهبی اطلاق می‌شود که خطر قریب الوقوع تبعیض، خصومت یا خشونت علیه افراد متعلق به این گروه‌ها را ایجاد می‌کنند.

آزمون آستانه:

ماده ICCPR 20 آستانه بالایی را الزام می‌کند چرا که محدودیت در آزادی بیان باید یک استثناء باقی بماند. [برنامه اقدام رباط](#) (ضمیمه 4/A/HRC/22/17/Add.4) بیان می‌دارد که هر شش قسمت آزمون آستانه زیر باید احراز شود تا اظهاری به جرم کیفری تبدیل شود.

- (1) **زمینه و شرایط:** زمینه و شرایط هنگام ارزیابی این که آیا گزاره‌ای خاص تبعیض، خصومت یا خشونت علیه گروه هدف را برمی‌انگیزد یا خیر، بسیار با اهمیت است، و می‌تواند تأثیر مستقیمی بر قصد و نیت و/یا علیت داشته باشد. تحلیل زمینه و شرایط باید کنش‌گفتاری را درون بافتار اجتماعی و سیاسی حاکم در زمان ایجاد و اشاعه آن گفتار در نظر بگیرد؛
- (2) **گوینده:** موقعیت یا مقام گوینده در جامعه باید لحاظ شود، به ویژه موقعیت شخص یا سازمان در بافتار مخاطبانی که آن گفتار به آنها خطاب شده است؛
- (3) **قصد و نیت:** ماده 20 ICCPR قصد و نیت را لحاظ کرده است. غفلت و بی‌ملاحظه‌گری کافی نیست تا یک کنش تحت ماده 20 ICCPR جرم تلقی شود، چرا که این ماده " ترویج کردن " و " تحریک " را مورد نظر قرار داده و صرفاً پخش و انتشار گفتار ملاک نیستند. بدین ترتیب، باید یک ارتباط مثلی بین فاعل و مفعول کنش‌گفتاری و همچنین مخاطبان ایجاد شود؛
- (4) **محتوا و فرم:** محتوای گفتار شامل یکی از نقاط اصلی مورد بررسی در مذاکرات دادگاه است و عنصر مهمی در ب تحریک کردن می‌باشد. تحلیل محتوا می‌تواند شامل میزان تحریک‌کنندگی و مستقیم بودن گفتار، همچنین فرم، سبک و ماهیت گفتار استفاده شده در مباحث یا تعادل لحاظ شده بین مباحث بیان شده ؛
- (5) **وسعت گفتار:** وسعت شامل عناصری نظیر گستره مخاطبین یک گفتار، ماهیت عمومی آن، ب و اندازه مخاطبان آن می‌باشد. سایر عناصر قابل بررسی عبارتند از اینکه آیا گفتار عمومی است، ابزار انتشار آن چه است، برای مثال تنها از طریق یک بروشور یا پخش در رسانه‌های اصلی انتشار یافته یا از طریق اینترنت، همچنین میزان وقوع، کمیت و میزان برقراری ارتباط به چه میزان بوده است، آیا مخاطب ابزاری برای پاسخ به بی تحریک داشته است یا خیر، آیا گفتار(یا عمل) مورد نظر در محیطی محدود پخش شده یا به طور وسیع برای عموم مردم قابل دسترسی است؛
- (6) **احتمال و میزان قریب الوقوع بودن:** تحریک بر حسب تعریف یک جرم ناقص است. عملی که از طریق گفتار برانگیزاننده طرفداری و حمایت می‌شود، لازم به ارتکاب آن نیست تا گفتار مورد نظر جرم تلقی شود. با این وجود، میزانی از خطر آسیب‌رسانی باید تشخیص داده شود. به این معنا که دادگاه باید مشخص کند که به احتمالی موجه آن گفتار باعث تحریک یک عمل و اقدام واقعی علیه گروه هدف شده است، باید مشخص شود که این سبب نسبتاً مستقیم است.

برنامه رباط مؤکداً بیان می‌دارد که مرتکبانی که حقیقتاً به آستانه ماده 20 RPCCI رسیده باشند، مورد تعقیب قانونی قرار نمی‌گیرند و مجازات نمی‌شوند. همزمان، اعضای گروه‌های اقلیت به صورت بالفعل (دو فاکتو) مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند، با اثر بازدارنده بر سایرین، که بواسطه سوء استفاده از قانونگذاری، تصمیمات دادگاه و سیاست‌گذاری‌های مبهم ملی است. رهبران مذهبی و سیاسی باید از هر گونه تحریک نفرت اجتناب کنند، اما باید نقش بسیار قابل توجه در محکوم کردن و سریع گفتار نفرت‌زا داشته باشند و به روشنی اعلام کنند که خشونت به عنوان پاسخی به تحریک نفرت قابل تحمل نیست. ([همچنین مراجعه کنید به 18 تعهد در باب «دین برای حقوق»](#))